

## تبیین مفهوم اهمال کاری در دو حکایت مثنوی معنوی

واژگان کلیدی

\* مثنوی معنوی

\* مولانا

\* آلبرت ایس

\* نظریه عقلانی - هیجانی

\* اهمالکاری

بر اساس نظریه عقلانی - هیجانی آلبرت ایس

دکتر یوسف اسماعیل زاده \* ysmailzadeh@yahoo.com

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور. گیلان

فاطمه سادات مدنی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

چکیده

در روانشناسی امروز نیز بر این اصل تأکید می‌شود که انسان با دست کم گرفتن خود، به اهمال کاری کشیده می‌شود، خود را بی‌دست و پا تصور می‌کند و احساس خود کم بینی در وجود او ریشه می‌دواند. انسانی با چنین نگاه و اندیشه، نمی‌تواند از توانایی و تجربه‌های خود به درستی استفاده نماید. او به دنبال لذت‌های زودگذر است تا هرچه زودتر به اهداف کوتاه مدت خود دست یابد و با این فکر واهی مشکلی را برای خود به وجود می‌آورد که تمام زندگی او را تحت الشعاع قرار می‌دهد. مولانا جلال‌الدین بلخی شاعر و عارف بزرگ ایران، قرن‌ها پیش از پیدایش علم روانشناسی، در آثار خود به ویژه در مثنوی، الگویی دقیق از منش و هویت اصیل انسانی در برخورد با اصول غیرمنطقی و منطقی از رفتار ارائه داده است. او به عنوان یک انسان شناس مسلمان، آراء و نظراتش، پیش از روانشناسان انسان‌گرای غرب پرده از رفتارها و واکنش‌های آدمی در مسیر زندگی در برخورد با مشکلات و نابسامانی‌ها بر می‌دارد. آلبرت ایس روان‌درمانگر بر این باور است که آدمی با افکار و نوع نگرش خود به محیط موجبات ناراحتی و عدم بهره‌مندی از یک زندگی آرام را فراهم می‌آورد، او معتقد است انسان ذاتاً تمایلات بیولوژیکی، استثنائی و نیرومندی برای تفکر و عمل به شیوه خاص را دارد که این شیوه ممکن است در جهت منطقی و یا غیرمنطقی باشد. او معتقد است که انسان آمادگی شدیدی برای تفکر غیر منطقی و غیر عقلانی دارد. این مقاله به تحلیل دو حکایت از مثنوی مولانا از منظر آرای البرت ایس می‌پردازد.